

الیگارش‌ی دولتی و پایداری فساد اداری در روسیه

جهانگیر کرمی*

دانشیار گروه مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران

رقیه کرامتی‌نیا

کارشناسی ارشد مطالعات روسیه، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۲۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۱/۰۱)

چکیده

در بیست و پنج سال گذشته دولت روسیه به شکل بسیار گسترده‌ای با پدیده فساد روبه‌رو بوده است و با وجود تمام تلاش‌هایی که در راستای مقابله با آن انجام داده، نتوانسته است این پدیده را کنترل کند. در سال ۲۰۱۳ این کشور در میان کشورهای درگیر با این پدیده که توسط سازمان شفافیت بین‌الملل مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، دارای رتبه ۱۲۷ از ۱۷۷ است. در این نوشتار تلاش شده است تا به بررسی نقش الیگارش‌ی دولتی در پایداری فساد اداری در این کشور پرداخته شود. پرسش اصلی این نوشتار آن است که دلیل ناکارآمدی برنامه‌های دولت روسیه در مبارزه با فساد اداری چیست و فرضیه آن، قدرتمندی الیگارش‌ی دولتی را به عنوان مانع مهم اثربخشی برنامه‌های ضد فساد دولت مطرح می‌کند. برای بررسی این فرضیه تلاش بر این بوده است تا با ارائه یک مدل تحلیلی، تأثیر قدرتمندی الیگارش‌ی دولتی بر میزان فساد و ناکارآمدی برنامه‌های ضدفساد دولت روسیه بررسی شود.

کلیدواژه‌ها

الیگارش‌ی دولتی، برنامه‌های دولت، روسیه، فساد اداری، قدرتمندی.

* E-mail: jkarami@ut.ac.ir

مقدمه

معمولاً یکی از آفت‌های مهم گذار از نظام‌های متمرکز اقتصادی به بازار آزاد و خصوصی‌سازی، گسترش فساد در نظام اداری و مالی دولت‌های درگیر است. روسیه نیز از این مشکل بی‌بهره نمانده و حتی به شکل گسترده سال‌ها است که با آن روبه‌رو است. در واقع گذار از اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد بازار و پایه‌ریزی اقتصادی مبتنی بر مالکیت خصوصی، به پیدایش الیگارش‌های و رشد بی‌سابقه فساد انجامیده و با وجود زیادی برنامه‌های مقابله‌ای و قوانین ضد فساد هنوز هم راهکاری اساسی برای آن پیدا نشده است. ماهیت فساد که بیانگر شکل‌های مختلف رفتار انسانی از جمله رشوه‌خواری، خویش و قوم‌پرستی، سوء استفاده از موقعیت شغلی، پارتی‌بازی، اختلاس و غیره است، در بیشتر موارد با قدرت همراه بوده و نشان‌دهنده سوء استفاده اعضای آن از اختیارات حاکمیتی (قدرت) در جهت منافع شخصی است. در این میان بسیاری از صاحب‌نظران از الیگارش‌ها، به عنوان نمونه فساد اداری در این کشور یاد می‌کنند. در واقع روسیه نوین تا حد زیادی ساختار سازمانی کهنی را به ارث برده که در درجه اول توصیف‌گر فرم ابتدایی مالکیت خصوصی، قیمت آزاد و شکل‌گیری مؤسسه‌های اقتصادی خصوصی است. عبور از دوران گذار با شرایط جدیدی همراه شده که به پیدایش الیگارش‌های و رشد فساد انجامیده است. براساس گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل^۱ از سال ۱۹۹۶ تاکنون^۲ روسیه، همواره در ردیف کشورهای که بیشترین فساد را دارند قرار داشته است. در واقع سال‌ها است که فساد یکی از مشکلات اصلی پیش‌روی دولت‌مردان روسیه است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، اقدامات بی‌شماری در راستای مبارزه با فساد اداری انجام گرفته، اما نتایج مطلوبی حاصل نشده است. می‌توان گفت که در این شرایط عواملی که فساد را ایجاد و دامنه و گستردگی آن را تعیین می‌کند، به تکامل نیافتن سازوکارهای قانونی، نقص و نارسایی نهادها و سیاست‌های اقتصادی و ضعف سازمانی دولت مربوط می‌شوند.

بنابراین پرسشی که در این نوشتار مطرح شده، این است که دلیل ناکارآمدی برنامه‌های دولت روسیه در مبارزه با فساد اداری چیست؟ فرضیه نوشتار، قدرتمندی الیگارش‌های دولتی را به عنوان مانع مهم اثربخشی برنامه‌های ضد فساد دولت مطرح می‌کند. از آنجایی که الیگارش‌های میل به نخبه‌گرایی داشته است، این نوشتار می‌خواهد تا با تمرکز بر دیدگاه‌های صاحب‌نظران مکتب نخبه‌گرایی، به بررسی تأثیر قدرتمندی الیگارش‌های بر ناکارآمدی راهبردهای ضد فساد

1. Transparency International

۲. بر اساس گزارشی که در سوم دسامبر ۲۰۱۳ توسط سازمان شفافیت بین‌الملل ارائه شد، روسیه با امتیاز ۲۸، رتبه ۱۲۷ از ۱۷۷ را دارد. (www.transparency.org.ru).

دولت و اثبات فرضیه اصلی بپردازد. با این هدف این نوشتار، نخست به تعریف مختصری از مفاهیم فساد اداری و الیگارش‌ی دولتی، مبانی نظری نوشتار، وضعیت فساد اداری در روسیه، شاخص‌های قدرتمندی الیگارش‌ی دولتی و سپس به سرمایه‌داری الیگارش‌ی در روسیه و نقش آن در تداوم فساد اداری خواهد پرداخت.

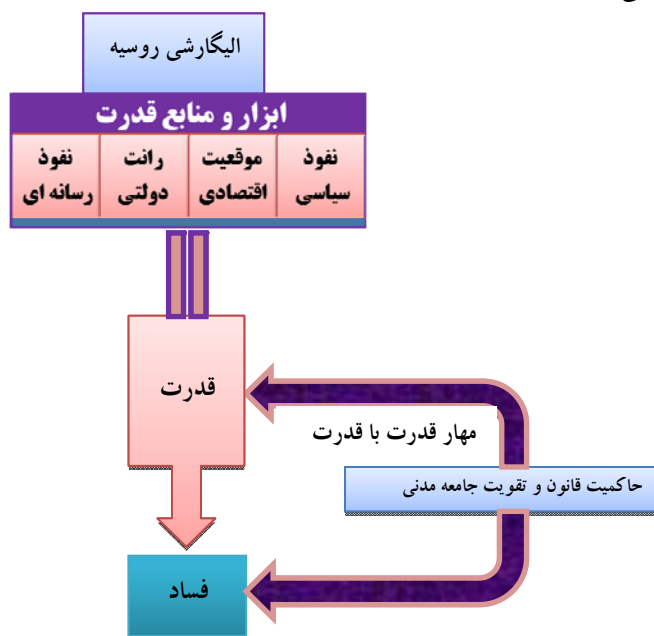
مفاهیم و مدل تحلیلی

مفهوم فساد^۱ از ریشه لاتینی (رومپر)^۲ به معنای شکستن یا نقض کردن گرفته شده است. به عبارت دیگر، در اینجا منظور این است که چیزی شکسته یا نقض می‌شود، که می‌تواند یک شیوه رفتار اخلاقی، اجتماعی یا مقررات اداری باشد (تانزی، ۱۳۷۸، ص. ۱۸۲). کابانوف نیز فساد را پدیده‌ای اجتماعی می‌داند که عبارت است از استفاده مغرضانه مسئولان امر از موقعیت شغلی در راستای مال‌اندوزی شخصی (Климова, 2009, p. 437). در مجموع می‌توان گفت که بسیاری از تعریف‌ها، به چند ویژگی خاص فساد اشاره می‌کنند: انحراف و یا نقض قاعده و یا قواعد مشخصی از رفتار، وجود هدف‌ها و در نظر گرفتن منافع (فردی، خانوادگی، گروهی) به صورت مادی یا غیر آن، از جمله منافع و هدف‌های سیاسی.

مفهوم «الیگارش‌ی» نیز از دوران یونان باستان، در معنای حکومت تعدادی کم ظاهر شد. دانش‌نامه بزرگ که در زمان اتحاد شوروی منتشر شده است، الیگارش‌ی را به‌عنوان رژیم‌ی تعریف می‌کند که در آن حاکمیت سیاسی به گروهی کوچک از ثروتمندترین افراد متعلق است که مفهوم الیگارش‌ی مالی را نیز تداعی می‌کند. به عبارت دیگر، تمرکز قدرت و سرمایه در دست چند نفر (Кива, 2000, p. 18). مفهوم الیگارش‌ی بیشتر در نظریه‌های نخبه‌گرایانه در علوم اجتماعی و سیاسی مورد بحث قرار گرفته است. میلز به‌عنوان یک نظریه‌پرداز نخبه‌گرا با رویکردی انتقادی نسبت به الیگارش‌ی، در کتاب «نخبگان قدرت»، تمایز آشکار بین اقلیت قدرتمند و اکثریت بدون قدرت را نشان داده و بر این باور است که مردم‌سالاری در آمریکا، به سبب تمرکز فزاینده قدرت سیاسی در دست یک گروه نخبه سه‌گانه، مرکب از مقامات بلندپایه حکومت فدرال، سرآمدان شرکت‌های بزرگ و افسران بلندپایه ارتش تضعیف می‌شود. به نظر وی، در جامعه آمریکا، تصمیم‌های حیاتی را «گروه کوچک نخبگان قدرت» به کار می‌گیرند. اما تصمیمات به کار گرفته شده این گروه الزاماً دربردارنده منافع مردم آمریکا نیست (ایزدی اودلو، ۱۳۸۶، ص. ۵۶-۵۴).

1. Corruption
2. Rumpere

در مورد ارتباط قدرت و فساد نیز، لرد آکتن عنوان می‌کند که قدرت، فساد می‌آورد و قدرت مطلق، موجب فساد مطلق می‌شود (Нисневич, 2009, c. 15). همچنین به باور چارلز مونتسکیو تجربه‌های تاریخی بیانگر این است که، هر آن کسی که قدرت دارد، تمایل به سوء استفاده از آن را نیز دارد و در این راه تا جایی پیش می‌رود که به حد و مرزی برخورد شده، سوء استفاده از قدرت است. در این مورد توسط ژرژ سنتوریا یکی از کوتاه‌ترین و دقیق‌ترین تعریف‌های معاصر از فساد ارائه شد که به معنای سوء استفاده از قدرت عمومی در جهت منافع شخصی است (Мильчакова, 2010, p.141). بنابراین در این نوشتار، از آن‌رو که قدرتمندی الیگارش‌ی دولتی (به‌عنوان یکی از موانع جدی ناکارآمدی برنامه‌های ضد فساد دولت روسیه) به‌عنوان فرضیه اصلی مطرح شده است، در راستای مبارزه با فساد، کاستن از قدرتمندی الیگارش‌ی می‌تواند تأثیرگذار باشد. بنابراین با در نظر گرفتن باور هابز مبنی بر اینکه، مهار قدرت تنها با قدرت امکان‌پذیر است (حقگو، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۹)، همان‌گونه که در شکل ۱ مشخص شده برای کاستن از قدرتمندی الیگارش‌ی دولتی و در نتیجه، اثربخشی برنامه‌های ضد فساد دولت، تقویت حاکمیت قانون و تقویت جامعه مدنی به‌عنوان نکته‌های اساسی در راهبردهای ضد فساد پیشنهاد می‌شود.



شکل ۱. مدل تحلیلی ارتباط قدرتمندی الیگارش‌ی دولتی و فساد اداری در روسیه
منبع: نویسندگان

وضعیت فساد اداری در روسیه

پدیده فساد اداری در همه دوره‌های تاریخی حیات روسیه وجود داشته و مسئله نوظهور این عصر نیست. در نظام تزاری وضعیت عمومی فساد، ناکارآمدی و مشکلات سیاسی و اداری، مردم را به تنگ آورده و یکی از عوامل روی آوردن مردم به شورش و انقلاب، فساد دربار و مشکلات سیاسی و اقتصادی بود. در این دوران با وجود اقداماتی که از سوی تزارهای روس برای مقابله با آن صورت می‌گرفت برخی ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی و ساختار سیاسی حاکم مانع از اثربخشی اقدامات صورت گرفته می‌شد و در نهایت رشد فساد و پیامدهای آن به انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ انجامید. این انقلاب در روسیه، جنبشی عدالت‌خواهانه بود که انتظارات زیادی را در میان مردم ایجاد کرد و همانند همه انقلاب‌های دیگر با هدف ایجاد جامعه‌ای آرمانی، عادلانه و به دور از هرگونه تبعیض و فساد روی داد. مارکسیسم با این اصل آغاز می‌شود که دولت منشأ همه فسادها و تبعیض‌ها است و راه‌حل حذف این وضعیت را در ایجاد یک نظام سوسیالیستی و حذف دولت می‌داند. اما آنچه در عمل در نظام سیاسی اتحاد شوروی کمونیستی به تحقق پیوست، بزرگ‌ترین نظام دولتی جهان بود. به دنبال آن، فساد اداری با مظاهر و نمودهای جدید در سطحی بسیار گسترده گسترش یافت. اقدامات و برنامه‌های حاکمیت اتحاد شوروی نیز، نه تنها نتوانست در راستای مبارزه با مظاهر فساد مؤثر واقع شود، بلکه شرایط و ویژگی‌های خاص این سیستم، زمینه مناسبی را برای بروز شکل‌های جدید فساد اداری و رشد آن فراهم می‌آوردند. سندهای موجود بیانگر این واقعیت هستند که با روی کار آمدن بلشویک‌ها در اکتبر ۱۹۱۷، تغییر شکل حاکمیت و رژیم دولتی، به تغییر پدیده فساد، از جمله رشوه‌خواری و دیگر فرم‌های سوء استفاده‌های شخصی نینجامید و دلایل آن‌ها را از بین نبرد. در واقع می‌توان گفت که رژیم کمونیستی ارتشا و فساد را از نظام تزاری به ارث برد و نومنکلاتوری اتحاد شوروی میراث‌خوار بوروکراسی تزاری شد که در محیط اداری جدید امکان زیادی برای استفاده از خدمات فاسد داشتند. در واقع انقلابی که با همه آرمان‌ها و آرزوهای عدالت‌خواهانه و برادری‌جویانه شروع شد به مرور با مشکلات متعددی در سطح‌های مختلف و از جمله در نظام اداری روبه‌رو شد. سرانجام عوارض فساد، مشکلات و نابسامانی‌های آن سبب شد تا این دولت قدرتمند فرو بیاید و امیدها برای ایجاد دولت عادلانه در ساختار و شکلی دیگر و با ایدئولوژی متفاوت مطرح شود.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، بوریس یلتسین که گرایشی لیبرال و غرب‌گرایانه داشت، قدرت را در روسیه در دست گرفت. وی در اکتبر ۱۹۹۱، برنامه‌های اساسی اصلاحات اقتصادی را دیکال را ارائه کرد. این برنامه شامل معرفی سریع آزادسازی قیمت‌های کالا و خدمات،

به کار انداختن سازوکار رقابت بین صنایع و شرکت‌ها، آزادسازی تجارت داخلی و خارجی و سرانجام، خصوصی سازی گسترده اموال دولتی و «مقررات زدایی» بود که باید توده مردم را به کارآفرینان و صاحبان سرمایه تبدیل می کرد. در نتیجه، با تحول نظام سیاسی در اوایل دهه ۱۹۹۰ نقش دولت و عملکرد اساسی آن نیز تغییر کرد (Моисеев, Прокуратов, 2012, p.56). هم‌زمان با روند خصوصی سازی، یکپارچه کردن نومنکلاتورهای دولتی و ارگان‌های اجرای قانون با محیط جنایی، غارت گسترده و فساد در روسیه فزونی یافت. می‌توان از تغییر نظام سیاسی، اصلاحات اقتصادی سال‌های دهه ۱۹۹۰، خصوصی سازی، گذار به نظام اقتصادی نوین، سازوکار شکل‌گیری حاکمیت دولتی، نبود سیستم‌های کارآمد ضدفساد، ضعف نظام قضایی، نبود ثبات سیاسی، رکود اقتصادی و ثروتمند شدن الیگارش‌ها از راه‌های غیرقانونی و قدرت یافتن آن‌ها در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی کشور، به‌عنوان عوامل اصلی فساد در این دوره یاد کرد.

با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین، احیای دولت به‌عنوان وظیفه اصلی دوران ریاست جمهوری وی در دستور کار دولت قرار گرفت. افزون بر این، به قدرت رسیدن پوتین تحول خاصی در حیات سیاسی جامعه ایجاد کرد. ساخت و ساز عمودی قدرت وی، هدف‌های زیادی را دنبال می کرد. پوتین به‌گونه‌ای نظام‌مند و با استفاده از اهرم‌های سیاسی (ایجاد حزب حاکم و استقرار اکثریت پارلمانی در مجلس دوم)، وابستگی مالی نخبگان سیاسی منطقه‌ای از مرکز (تأسیس سیستم مالیات و بودجه) و روش‌های قهری (تجدید حیات نظارت دادستانی و سازمان‌های اجرای قانون) نظام مشخصی را بنا نهاد (Макеев, 2009, p.267). در دوران ریاست جمهوری پوتین، رشوه و ادغام مقامات با کسب و کار در تمام سطح‌های دولت (فدرال، منطقه‌ای و محلی) تبدیل به هنجار شد که در حقیقت، چنین وضعیتی تهدیدی جدید برای امنیت ملی روسیه به‌شمار می آمد (Карабущенко, 2009, p.26). در واقع می‌توان گفت که اگر دوران سلطنت کاترین دوم عصر طلایی «اشرافیت روسیه» باشد، دوران ریاست جمهوری بوریس یتسین و ولادیمیر پوتین عصر طلایی «مقامات روسیه» است؛ به‌شکلی که در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۸ رشد دیوان‌سالاری روسیه تقریباً دو برابر شده و متناسب با رشد بوروکراسی، فساد نیز گسترش پیدا کرده است (Калгин, Подвойский, 2009, p.71-72). با آغاز دور دوم ریاست جمهوری پوتین، پرونده‌های فساد، دیگر به‌صورت گسترده به اطلاع عموم نمی‌رسید. سیستم دولتی پوتین با ادغام آشکار خدمات دولتی با کسب و کار، به اقوام و دوستان رئیس‌جمهور اجازه سوء استفاده و بهره‌مندی از دولت و تصاحب غیر قانونی اموال دولتی را می‌داد (Калинина, 2013). داده‌های سازمان شفافیت بین‌الملل، حاکی از آن است که در طول دوره اول ریاست جمهوری پوتین تا اندازه‌ای از رشد فساد کاسته شد، اما در دو-سه سال

پایانی ریاست جمهوری وی رشد فساد سرعت می‌یابد. بنابراین باید گفت، در مجموع با وجود میزان بالایی از رشد اقتصادی در این سال‌ها، میزان فساد در روسیه کاهش نیافته است (Гуриев, 2006). در کل دلایل اصلی برای فساد در روسیه در این دوره را می‌توان بدین صورت دسته‌بندی کرد:

الف) نبود رسانه‌های مستقل از دولت: روش کار کانال‌های تلویزیونی فدرال (کانال یک، رادیو تلویزیون‌های دولتی سراسر روسیه، شبکه ان.تی.وی^۱)، بزرگ‌ترین ایستگاه‌های رادیویی و بیشتر روزنامه‌ها تا حد زیادی توسط دولت و نهاد ریاست جمهوری کنترل می‌شوند. تلویزیون اجتماعی جدید (که به شکل رسمی، سازمان غیر تجاری مستقلی است) نیز در کنترل کرملین قرار دارد. مدیر اصلی آن را رئیس‌جمهور تعیین می‌کند، اما هیئت مدیره، اتاق عمومی را تشکیل می‌دهد؛ افزون بر این، هیچگاه کانال تلویزیونی مستقل ان.تی.وی به صورت منظم موضوع فساد در سطح‌های بالای حاکمیت را پوشش نداده است. در آوریل ۲۰۰۱، کنترل بر کانال تلویزیونی را شرکت دولتی «گازپروم» تصاحب کرد؛

ب) نبود دستگاه قضایی مستقل از کرملین و مقامات ارشد: به گونه‌ای که در بیشتر موارد رأی دادگاه‌ها «از بالا» دیکته می‌شوند (Калинина, 2013)؛

پ) نبود رقابت سیاسی و احزاب سیاسی کارآمد و مؤثر: به باور نیگماتولینا احزاب سیاسی در روسیه در عمل امکان ایفای نقش میانجی بین مردم و مقامات و توان محافظت از منافع رأی‌دهندگان را ندارند. با توجه به بالغ‌نشدن جامعه مدنی، احزاب به‌عنوان کانال‌های ارتباطی جامعه مدنی و حکومت جلوه‌گر نمی‌شوند، بلکه درحقیقت مشتریان بیان‌کننده منافع گروهی هستند. آن‌ها همانند اتحادیه‌ای از طرفداران و حامیان پیرامون رهبر سیاسی هستند. از سویی حزب حاکم یعنی «روسیه متحد»، موضع غالبی را در نظام حزبی فدراسیون روسیه اشغال کرده است. بنابراین، در روسیه یک نظام چندحزبی با یک حزب مسلط شکل گرفته است (Нигматуллина, 2014, p. 79-80)؛

ت) نبود جامعه مدنی قوی که بتواند کنترل بر قوه مجریه را به‌دست بگیرد: در واقع تحولاتی که در این دوره در روابط قدرت در داخل روسیه شکل گرفت و سرشت قدرت سیاسی در این کشور، همراه با آثار فرهنگ سیاسی آن سبب شد تا رشد و پایداری جامعه مدنی در روسیه متوقف شود (کولایی و کلبعلی، ۱۳۹۳، ص. ۳۳۳)؛

ث) شکاف موجود در قوانین روسیه: در چنین وضعیتی مقاماتی که بیشتر درگیر طرح‌های مفسدانه‌اند، تنها احکام تعلیقی دریافت می‌کنند، در حالیکه کسانی که به شکل آشکار از دولت

انتقاد می‌کنند، متحمل احکام واقعی خشن می‌شوند. در نتیجه این شرایط، افزون بر ایجاد فساد، تشکیل سریع طبقه الیگارش‌ی (دولتی) مهیا شد که محیط پرباری برای فساد است. در این حالت، گروه بسیار کوچکی از مردم (به اصطلاح اقلیت حاکم) به سود فراوان دست می‌یابد، در حالی که دیگر اعضای جامع متحمل هزینه‌های آن خواهند شد. در نتیجه، طبقه گروه‌سالارانه (الیگارش‌ها)، با برخورداری از ثروت، قدرت و رسانه، مانع از مبارزه مؤثر با فساد اداری می‌شوند (Калинина, 2013).

در سال‌های ریاست جمهوری مدودیف (۲۰۱۲-۲۰۰۸) نیز، با وجود تلاش‌های دولت و اقدامات مختلف ضد فساد، وضعیت فساد در روسیه همچنان رو به بدتر شدن گذاشت. شایان توجه است که هر چند دیمیتری مدودیف با این عبارت که «آزادی بهتر از نبود آزادی است» به پست و مقام رسید؛ اما رسانه‌های روسی در این دوران نیز آزاد نمی‌شوند و وابستگی آن‌ها به دولت و مقامات ادامه می‌یابد. از دیگر دلایلی که به افزایش سطح فساد در روسیه در سال‌های اخیر مرتبط و به‌عنوان عامل اصلی فساد مطرح می‌شود، نداشتن کنترل مؤثر جامعه مدنی بر کار دولت در تمام سطح‌ها است. همچنین در طول ده سال، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ وابستگی روسیه به صادرات مواد خام بیشتر شده است. به‌شکلی که اگر صادرات مواد خام در سال ۲۰۰۰، ۴۴ درصد از کل صادرات این کشور را شامل می‌شد، در سال ۲۰۱۰، ۶۵ درصد از کل صادرات را پوشش داده است. در همین زمینه، پژوهش‌های علمی در جهان نشان می‌دهند که در کشورهای غنی از منابع طبیعی، توزیع رانت‌های منابع به نهادهای غیرقانونی، ممکن است نابرابری درآمد و دامنه رشد فساد را افزایش دهد (Немцов, Милов, 2010, p. 31). همچنین، اگرچه در دوران مدودیف، مقدمات لازم برای نظارت شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی برای نظارت بر فعالیت دستگاه‌های دولتی فراهم شد، اما این مهم هنوز به‌شکل کامل محقق نشده است. در واقع جامعه مدنی در روسیه بسیار ضعیف بوده و بیشتر مردم نسبت به سیاست مبارزه با فساد دولت بیگانه هستند (رشیدی و جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۸۱).

شاخص‌های قدرتمندی الیگارش‌ی دولتی

از آنجایی که فرضیه نوشتار قدرتمندی الیگارش‌ی دولتی را در ناکارآمدی برنامه‌های ضد فساد دولت مؤثر می‌داند و این قدرت را با برخورداری الیگارش‌ی از منابع قدرت، از جمله موقعیت اقتصادی بالا و یا قدرت اقتصادی، موقعیت اجتماعی، رسانه‌های جمعی، ارتباطات، حق تصمیم‌گیری، نفوذ سیاسی و غیره استدلال می‌کند، این نوشتار در این قسمت، به شاخص‌سازی متغیر اصلی (قدرتمندی الیگارش‌ی) و سپس به بررسی دلایل و شرایط شکل‌گیری الیگارش‌ی

دولتی روسیه و ماهیت آن‌ها می‌پردازد. سرانجام در پاسخ به این پرسش که دلیل ناکارآمدی برنامه‌های دولت روسیه در مبارزه با فساد اداری چیست؟ تلاش شده تا تأثیر شاخص‌های قدرتمندی الیگارش‌ی روسیه و ارتباط آن با فساد اداری شناسایی شود.

مفهوم قدرت و منابع آن

ماکس وبر قدرت را توانایی اعمال اراده خود با وجود مقاومت، از راه به کارگیری زور یا تهدید به استفاده از زور می‌داند (Тонков, Масальгина, 2007, p. 169). برای دسته‌بندی منابع قدرت نیز توسط کارشناسان رویکردهای گوناگونی طراحی شده است. در اولین بررسی‌های علمی پنج منبع اجبار، تخصص، قانون و یا حق تصمیم‌گیری، مرجعیت یا جاذبه و پاداش برای قدرت در نظر گرفته شد. بعدها «اطلاعات» به‌عنوان ششمین منبع و سپس منبع هفتم، «روابط» به منابع قبلی قدرت اضافه شدند (Андреева, 2013, p. 115). همچنین، عبدالرحمان عالم در بنیادهای علم سیاست، دانش، سازمان، موقعیت‌ها (اقتصادی، اجتماعی و...)، اقتدار، مهارت، ایمان و رسانه‌های جمعی را به‌عنوان منابع قدرت فردی و اجتماعی معرفی می‌کند (عالم، ۱۳۷۸، ص ۹۲-۹۳). بنابراین قدرت سیاسی، توانایی و امکان گروه، فرد و طبقه برای اجرای اراده خود در سیاست و هنجارهای قانونی است (Цепилова, Крупина, 2006, p. 18-19) و قدرت اقتصادی، توانایی برای تولید کالا و خدمات است (Луис О. Келсо, Патриция Х. Келсо, 2007, p. 39).

مفهوم نفوذ

نفوذ جوهره گسترش هر چیزی است. نفوذ در حوزه سیاست، نفوذ دولت در حدود اولیه است (Рогов, 2011, p. 282). نفوذ رسانه‌ای نیز، به عملکرد رسانه بستگی دارد و میزان آن با سطح تأثیرگذاری در جامعه و میزان اقبال عمومی ارتباط مستقیمی دارد. همچنین رانت که از دیگر منابع قدرت الیگارش‌ی روسیه معرفی شده است، در واقع درآمد مازاد بر هزینه‌ای است که توسط صاحب سرمایه پولی یا زمین دریافت می‌شود که متقاضی فعالیت‌های کارآفرینی نیست (فرهنگ لغت توضیحی اوشاکوف). این عنصر مخرب روابط اقتصادی به‌صورت قابل توجهی شانس غنی‌سازی غیر قانونی را افزایش داده و زمینه مناسبی را برای توسعه جرم و جنایت سازمان‌یافته و فساد در دستگاه دولتی ایجاد می‌کند. بنابراین اقتصاد رانتهی بیشترین انحصار را تولید می‌کند، یعنی اقتصاد ناکارآمدی که در آن انگیزه‌ای برای کاهش هزینه‌ها و ارائه فناوری‌های بالا وجود ندارد (Тертышный, 2012, p. 84).

سرمایه‌داری الیگارش‌ی در روسیه

تجزیه و تحلیل الیگارش‌ی به‌عنوان یک پدیده سیاسی (هرچند منشأ اقتصادی دارد) مستلزم رجوع به تاریخ سیاسی روسیه در دهه گذشته است. تکامل تدریجی سرمایه‌داری گروه‌سالارانه را می‌توان با دقت کافی به دو فاز اصلی دوره یلتسین و دوران پوتین تقسیم کرد. از آن رو که اقتدار پوتین در دوران حاکمیت مدودیف پابرجا و مستحکم بود، بررسی این موضوع در این دوره در عرض حاکمیت پوتین قرار می‌گیرد. در این تقسیم‌بندی به‌صورت کلی، اصطلاح الیگارش‌ی تا حد زیادی گویای سیستم حکومتی اولین رئیس‌جمهور روسیه (بوریس یلتسین) است و رژیم ولادیمیر پوتین، بیشتر با کاهش سیستم الیگارش‌ی مرتبط است.

در نیمه دوم دهه، اصطلاح الیگارش‌ی هنوز در روسیه استفاده نشده بود، پیش از این واژه نوآوری^۱ به معنای «نورسیده» برای اشاره به دایره محدودی که از نظر سیاسی بزرگترین کارآفرینان بانفوذ بودند، به کار می‌رفت. این اصطلاح در مباحث پیرامون اوضاع سیاسی روسیه در اواخر دهه ۱۹۹۰ استفاده می‌شد (Зудин, 1999, p. 45). اولین اشاره به الیگارش‌ی روسیه، پیشتر، یک استعاره ژورنالیستی یا روش مبارزه سیاسی بود. در آن دوران به هر کسی که از افراد تازه به دوران رسیده گارد ریاست جمهوری کارژاکوا و رؤسای شرکت‌های دولتی بزرگ بود، الیگارش می‌گفتند. برخی از تحلیل‌گران می‌گویند که زمینه پیدایش الیگارش‌ی به سال‌های آخر حاکمیت گورباچف و دوران پروسترویکا مربوط می‌شود. یعنی هم‌زمان با تلاش‌هایی که اقتصاد سوسیالیستی را برای خدمت به نیازهای واقعی مردم، نقد کردن پول‌های غیرنقدی و تصویب قوانینی که اجازه ایجاد انواع تعاونی‌های وابسته به شرکت‌های دولتی را می‌داد، وامی‌داشت. این امر برای مدیران ناشایست و کلاهبرداران، امکان پمپاژ اعتبارات و بودجه را از بخش دولتی به اقتصاد رو به رشد سایه محقق کرد که همین مسئله مبنا و پایه الیگارش‌ی شد. زیرا اقتصاد سایه، زمینه مناسبی را برای توسعه فساد و روابط جنایی، درهم آمیختگی فشرده آن‌ها و درنهایت حضور کسب و کار نیمه‌جنایی و جنایی در مقامات دولتی رده‌بالا فراهم می‌آورد (Кива, 2000, p. 22). به‌عبارتی، الیگارش‌ی در روسیه، بخشی از نخبگان حاکم جدید است که از طبقه سیاسی قدیمی (نومنکلاتورها) پدید آمده و در واقع نظام اجتماعی جدیدی است که در زمان ریاست جمهوری بوریس یلتسین شکل گرفت (Крыштановская, 2002, p. 6).

1. Нувориш

الف) دورهٔ یلتسین - برنامهٔ خصوصی‌سازی که پس از فروپاشی اتحاد شوروی به‌صورت جدی در دستور کار دولت حاکم قرار گرفته بود، در سال ۱۹۹۴ وارد مرحلهٔ جدیدی شد. در این زمان تصمیمی مبنی بر فروش سهام شرکت‌ها به ارزش بازار گرفته شد. برای جذب سرمایه‌گذاری در اقتصاد، دولت به تحریک در جهت ایجاد گروه‌های مالی - صنعتی روی آورد، فرض بر اینکه پول مردم راحت‌تر تجمیع و از راه سیستم بانکی استفاده شود. با این حال، گروه‌های مالی - صنعتی به‌جای سرمایه‌گذاری در اقتصاد به سوء استفاده و احتکار می‌پرداختند. دولت در حالی که تلاش می‌کرد تا کسری بودجه را جبران کند، صدور اوراق قرضهٔ رسمی با نرخ بالای بهره را (تا ۳۰۰ درصد در روبل) آغاز کرد. هم‌زمان دولت برای جذب سرمایه و اعتبار خارجی اقدام به ضمانت از وام‌های ارزی کرد که توسط بانک‌های روسیه برای خرید اوراق قرضهٔ دولتی ایجاد شده بودند. در این راستا به‌ویژه، گروه‌های مالی - صنعتی و بانک‌ها به خرید و فروش این اوراق بهادار می‌پرداختند. بنابراین در روسیه شکل‌گیری اصلی قشر الیگارش‌ی هم‌زمان با روند خصوصی‌سازی بود. رئیس‌جمهور با استفاده از قدرت خود، جذاب‌ترین واحدهای مالکیت را (در درجهٔ اول واحدهای صنعتی و زیرساخت‌های روسیه) تقریباً به‌صورت بی‌عوض به اعضای این حلقه منتقل کرد (Бушков, 2009, p. 393). البته اعضای این گروه معتقد بودند که خصوصی‌سازی به نفع اقتصاد روسیه خواهد بود؛ زیرا دارایی‌های بخش خصوصی موجب اقتصاد متنوع و افزایش درآمدهای مالیاتی برای دولت می‌شود (رمضان‌زاده و حسینی، ۱۳۸۹، ص. ۵۰).

در همان حال برای بررسی پدیدهٔ الیگارش‌ی در روسیه، می‌توان دو مرحلهٔ اصلی در گسترش روابط بین حاکمیت و جامعهٔ کسب و کار مشخص کرد (Канарш, 2006, p. 102-103): مرحلهٔ اول - بیشتر «ارتباط حامی - مشتری» است (نیمهٔ اول دههٔ ۱۹۹۰)، هنگامی که کسب و کار به‌عنوان یک مشتری عمل می‌کند و در خدمت تحقق منافع حاکمیت است، درحالی‌که در ازای آن امتیازهای خاصی دریافت می‌کند و حاکمیت، در رابطه با آن، در نقش حامی است. مرحلهٔ دوم - «انقلاب گروه‌سالارانه» (نیمهٔ دوم ۱۹۹۰) است، زمانی که کسب و کار بزرگ در نتیجهٔ پشتیبانی فعال، برای مبارزه‌های انتخاباتی ریاست جمهوری بوریس یلتسین، به منابع سیاسی (و از آن بیشتر منافع اقتصادی) دسترسی پیدا می‌کند و در واقع برای اولین بار در روابط با حاکمیت، حضور برابری دارد. در طول مبارزه‌های انتخاباتی، نخبگان اقتصادی جدید ارتباط مستقیمی با رهبری عالی سیاسی کشور برقرار می‌کنند، به‌گونه‌ای که پس از انتخابات، نمایندگان آن‌ها در سطح‌های بالای قوهٔ مجریه گنجانده شدند. پس از این در روابط دوجانبهٔ دولت و کسب و کار حامی‌گری جای خود را به رابطهٔ هم‌زیستی (یکپارچه کردن یا اتحادیهٔ

شخصی) داد. در این دوره (۱۹۹۶-۱۹۹۷)، یک ائتلاف گروه‌سالارانه بزرگ (نسل اول الیگارش‌ها) شکل گرفت، که در رسانه‌ها هفت بانکدار^۱ نامیده شدند، که شامل هفت نفر از بانفوذترین نمایندگان کسب و کار روسیه می‌شد. این افراد نه تنها امکان تأثیرگذاری بر سیاست را پیدا کردند، بلکه به شکل مستقیم تصمیم‌های سیاسی می‌گرفتند. در سال ۱۹۹۸ به جای اولین نسل الیگارش‌ها نسل دوم آن روی کار آمد که ترکیبی از بستگان و اطرافیان اولین رئیس جمهور و به قولی حلقه خانوادگی یلتسین بود. در واقع، سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹، دوره ستایش اغراق‌آمیز الیگارشی است، زمانی که گروه‌سالاری رژیم در شخص رئیس جمهور یلتسین و بستگان نزدیک یا حلقه خانوادگی وی، که با گروه‌های بزرگ مالی و اقتصادی مرتبط شده بودند، به وقوع پیوست.

همان‌گونه که از داده‌های جدول ۱ پیدا است، قدرتمندی الیگارشی روسیه ارتباط مستقیمی با نفوذ سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای آن‌ها دارد. در مورد نفوذ سیاسی الیگارشی روسیه، می‌توان گفت که الیگارشی در روسیه به عنوان عضو حتمی تقریباً تمام رویدادهای مهم سیاسی است، همچون استعفای چرنومیردین، فعالیت‌های دولت کرینکو، اعتصاب کارگران معدن یا چشم‌انداز مشارکت بوریس یلتسین در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۰. نفوذ سیاسی الیگارش‌ها نه تنها با رشد سرمایه و دارایی‌هایشان، بلکه از آن رو که بسیاری از رسانه‌های چاپی و الکترونیکی، محبوب‌ترین کانال‌های تلویزیونی، ایستگاه‌های رادیویی، روزنامه‌ها و مجله‌ها به دست آن‌ها افتاده بود، تأمین می‌شد. در شرایطی که رسانه‌های دولتی نفوذ خود را با توجه به منابع مالی ناکافی از دست داده بودند، سلاطین رسانه‌ای بهترین روزنامه‌نگاران را استخدام و در جهت گسترش رسانه‌های خود سرمایه‌گذاری می‌کردند. بنابراین تا سال ۲۰۰۰ نشریه‌های بانفوذ در دست الیگارشی روسیه قرار گرفت. پیشرفت سوداگری و تجارت رسانه‌ای تا اندازه‌ای قابل توجه بود که چندتن از کارآفرینان (برزوفسکی، ویاخیرف، گوسینسکی و پاتانین) در شمار بانفوذترین سیاستمداران کشور قرار گرفتند (Крыштановская, 2002, p. 35).

1. Борис Березовский, Михаил Ходорковский, Владимир Гусинский, Александр Смоленский, Михаил Фридман, Владимир Потанин, Владимир Виноградов

جدول ۱. الیگارش‌های اصلی روسیه در سال ۱۹۹۶

الیگارش	بانک‌های در کنترل	مؤسسات تابع	رسانه‌های جمعی	رسانه‌های الکترونیکی
علی اکبراف	نیکویل	لوکویل	«ایزوستیا» یا اخبار	کانال ت و - ۶
ویاخیراف	ایمپریال، ن ر ب (یا بانک ذخیره ملی)	گازپروم	«کمسومولسکایا پراودا» یا حقیقت کمسومول، «ترود» یا زحمت	کانال ن ت و، اُ ر ت (یا شبکه تلویزیون اجتماعی روسیه)
گوسینسکی	مست بانک	مدیا مست	«سودنیا» یا امروز، «یتوگی» یا نتیجه، «اسمنا» یا تغییر، طسم دنی» یا ۷ روز	ن ت و، رادیو «خوماسکوی»، اُ ر ت
برزوفسکی	آفتوبانک، بانک مشترک	سیب نفت، آئروفلوت	«نزاویسیمایا گازتا» یا روزنامه مستقل، «آگونک» یا جرقه	ت و - ۶، ا و ر ت
اسمولنسکی	س ب س (یا بانک سیبری روسیه) - آرگو آرگوپرومبانک		کومرسانت، نوایا گازتا، اخبار خدمات ملی	اُ ر ت
فریدمن	آلفا بانک	آلفا - سرمایه، آلفا - اقتصاد، ن ک (یا کمپانی نفتی تومنسکی)		اُ ر ت
خادار کوفسکی	مناپ	روس پروس، یوکوس	مسکو تایمز، اس تی پینترزبورگ تایمز، «لیتراتورنایا گازتا» یا روزنامه ادبی	اُ ر ت
پاتانین	م ف ک (یا شرکت مالی بین‌المللی)، آلبا - آلیانس	اینتراس، نوریلسکی نیکل، سیدانکو، کشتیرانی شمال - غربی	«کومسومولسکایا پراودا» یا حقیقت کومسومول، «ایزوستیا» یا اخبار	

منبع: (O.B. Крыштановская, 2002, c. 32), http://krotov.info/libr_min/11_k/ri/shtanov_05.htm

ب) دوره پوتین: در نتیجه بحران مالی سال ۱۹۹۸، برخی از بازرگانان بزرگ ورشکسته شدند و بعضی دیگر به خارج از کشور نقل مکان کردند. تنها گروه آلفا توانست موقعیت بالای خود را حفظ و تقویت کند. با ظهور پوتین اصل «فاصله برابر» کسب و کار از سیاست، که در اصل به معنای حذف الیگارشی‌های قدیمی دوران یلتسین (و پیدایش الیگارشی‌های دولتی حامی پوتین) بود، اعلام شد (Крыштановская, 2002, p.35). در واقع با پایان دوره ریاست جمهوری بوریس یلتسین، ستایش اغراق آمیز از الیگارشی رو به کاهش نهاد. مخالفت شدید جامعه نسبت به الیگارشی، خودانزواگری رژیم، تنازع در درون نخبگان کسب و کار، که با پایان دوره ریاست جمهوری یلتسین هم‌زمان شده بود، زمینه را برای تغییر اساسی این وضعیت هموار کرد. کاتالیزور این فرایند به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ و انتقال سیستم چندمحور حاکمیت (واگرا) - که مشخصه رژیم یلتسین است - به نظام تک‌محور (تمرکزگرا) است که توسط پوتین محقق شد. برخلاف سیستم حاکمیتی پلی‌محور، که بر مبنای تمرکزناشتن قدرت، اولویت ارتباطات غیر رسمی و مجاز بودن خودمختاری گسترده نخبگان سیاسی است، نظام تک‌محور با گرایش به سوی تمرکزگرایی، فاصله برابر از تمام بازیگران سیاسی و همچنین کاهش قابل توجهی در خودمختاری نخبگان مشخص می‌شود.

در واقع در ارتباط با الیگارشی، رژیم جدید از همان ابتدا سیاست دوگانه‌ای را پیاده می‌کند: از یک سو، به دنبال تضعیف قدرت و به دنبال آن حذف الیگارشی‌هایی که به حاکمیت وفادار نیستند از صحنه سیاسی است و از سوی دیگر، به ایجاد روابط با الیگارشی وفادار، چه داخلی (نخبگان اداری فدرال) و چه خارجی (نخبگان کسب و کار) روی آورد (Канарш, 2006, p.103). با به قدرت رسیدن پوتین از میدان به در کردن کارآفرینان خصوصی از رسانه‌های برتر الکترونیکی آغاز شد. دولت جدید با صراحت فهماند که باج‌خواهی و ترسی را که یلتسین از سوی سلاطین رسانه‌ای در معرض آن قرار داشت، تحمل نخواهد کرد. در همین راستا رسانه‌های مخالف به ساختارهای متمایل و وفادار به دولت تحویل داده شدند (Крыштановская, 2002, p.58). در ارتباط با اولین گول‌های رسانه‌ای شناخته شده (گوسینسکی و برزوفسکی) در همان سال ۲۰۰۰ توسط حکومت اقدام ضد الیگارشی صورت گرفت که در نتیجه آن امپراتوری قدرتمند رسانه‌ای که به شکل مؤثر برای انتقاد از دولت، بی‌ثباتی اوضاع در کشور را مورد استفاده قرار می‌داد، درهم شکسته شد و سرانجام خود الیگارشی‌ها مجبور به ترک کشور شدند. در مرحله کنونی، بازسازی و از سرگیری سلسله مراتب در روابط بین دولت و کسب و کار روی می‌دهد. مدلی ایجاد شده که با تسلط مطلق حاکمیت دولتی بر بیزنس - الیت معرفی می‌شود (البته نمایندگان این طیف مواضع خود را در حکومت در ازای وفاداری حفظ می‌کنند) (Канарш, 2006, p.103-104). به این ترتیب، به تدریج الیگارشی دوران یلتسین به حاشیه رانده

شد و جای خود را به نسل جدیدی از کارآفرینان داد. این الیگارش‌ها بیشتر استانی بودند و ارتباط تنگاتنگی با صنعت داخلی داشتند. در پی اعلام سیاست «فاصله از الیگارش‌ها» تنها دو گزینه حمایت و پشتیبانی از حاکمیت یا محو شدن برای الیگارش‌ها باقی می‌ماند. فاجعه‌ای که برای الیگارش‌ی پیشین در نتیجه نزدیکی به قدرت پیش آمد به الیگارش‌های جدید این هشدار را می‌دهد که در سیاست دخالت نداشته باشند؛ بنابراین «وفاداری» شعار الیگارش‌های جدید شد و اینگونه به صورت فزاینده‌ای برای ساخت یک رابطه قوی و محتاطانه با استقرار در تمام سطوح، از راه اقدامات و فعالیت‌های نمایندگان خود تلاش می‌کند.

با وجود چنین واقعیتهایی در ایجاد الیگارش‌ی نوین، ولادیمیر پوتین (نامزد انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲) در مقاله خود که در روزنامه کومرسانت در ۶ فوریه ۲۰۱۲ منتشر شد، این‌گونه اظهار کرد: «ما با الیگارش‌ی مقابله کردیم و با فساد هم مقابله خواهیم کرد». به نوعی می‌توان گفت این ادعای پوتین درباره مقابله با الیگارش‌ی روسیه محقق شده است، نمونه بارز آن برخورد وی با الیگارش‌های لیبرالی همچون برزوفسکی، گوسینسکی و خادار کوفسکی است. ولی از سوی دیگر و برخلاف ادعای وی میلیاردرهایی ظاهر شدند که عناوین و سرمایه‌های آن‌ها با ظهور ولادیمیر پوتین پدید آمد. به گونه‌ای که برخی از کارشناسان معتقدند روسیه در کل دولتی گروه‌سالارانه است و این امر با حاکمیت پوتین، بیشتر از دوره یلتسین ملموس بوده و در واقع نظام الیگارش‌ی در دوران وی تقویت شده است.

در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۰ استفاده از اصطلاح الیگارش‌ی در رسانه‌ها و به‌ویژه بیشتر، در جامعه تخصصی به‌عنوان مترادف تاجر بزرگ و یا حتی یک ثروتمند عادی شروع شد. بنابراین با تعاریفی که در این سال‌ها از الیگارش‌ی شده، می‌توان افرادی همچون رومن آبراموویچ، میخائیل فریدمن، اولگ دریپاسکا، میخائیل خودورکوفسکی، ولادیمیر پاتانین، آندری ملیچنکو و غیره را الیگارش‌ در نظر گرفت. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، در این سال‌ها الیگارش‌های منطقه‌ای ظاهر شدند که تأثیرگذاری آن‌ها متکی بر روابط افقی بین منطقه‌ای بود. حدود سال ۲۰۰۰ الیگارش‌های منطقه‌ای تا اندازه‌ای تقویت شدند که نفوذ اقتصادی‌شان را در مناطق هم‌جوار آغاز کردند. نمونه قابل توجه این نوع الیگارش‌ی، مارداشوف، مدیرعامل شرکت سهامی سورستال است (Крыштановская, 2002, p.57).

در رتبه‌بندی الیگارش‌های روسیه که مجله فوربس در سال ۲۰۱۲ تهیه کرده، علیشیر عثمان‌اف با ثروت تخمینی ۱۸/۱ میلیارد دلار، ولادیمیر لیسین با (۱۵/۹) میلیارد دلار دارایی و الکسی مارداشوف، مدیرعامل شرکت سورستال با (۱۵/۳) میلیارد دلار ثروت، به ترتیب در بالای فهرست قرار گرفتند. همچنین در لیست سال ۲۰۱۲ فوربس، هشت سناتور، نه تن از

نمایندگان مجلس دوما، دو رهبر منطقه‌ای (ولادیمیر گروزدوف با ۱ میلیارد دلار، و آرسن کاناکوف، با ۶۰۰ میلیون دلار) و یکی از مشاوران رئیس جمهور روسیه (میخائیل آبیازف، ۱/۳ میلیارد دلار) جای دارند (وبسایت رسمی مجله فوربس، ۲۰۱۲). بنابراین می‌توان دریافت که الیگارشی دولتی روسیه از آنجایی که، از منابع قدرت برخوردار است، قدرتمند است. همان‌گونه که در مبانی نظری این نوشتار اشاره شد، قدرت فسادآور است و در واقع فساد در ذات قدرت نهفته است. در ادامه، ارتباط نخبگان و فساد اداری بررسی می‌شود.

۵. نقش سرمایه‌داری الیگارشی در تداوم فساد اداری در روسیه

با هدف مبارزه با فساد، توسط افلاطون در رساله «دولت ایده‌آل»، جداکردن حاکمیت و مالکیت، پیشنهاد می‌شود. دولت ایده‌آل افلاطون به این علت ایده‌آل است که در کل فسادی در آن وجود ندارد و مالکیت در آن منسوخ شده است. زیرا برای طبقه حاکم (نخبگان) داشتن هرگونه مالکیتی به شدت ممنوع است. «اگر شما می‌خواهید در جمع نخبگان باشید، از مالکیت صرف نظر کنید. این شعار اصلی جامعه ایده‌آل افلاطونی است (Karabuzhenko, 2009, c. 18). در حالی که الیگارشی روسیه نه تنها صاحب مالکیت و دارایی‌های کلان مادی است، از دیگر ابزار مهم قدرت، همچون نفوذ سیاسی و رسانه‌ای هم برخوردار است. نخبگان جدید روسیه، نتیجه تجزیه و فروپاشی نومنکلاتورها است. الیگارشی‌ها از مقامات دولتی، رسانه‌ها، مخالفان چپ و راست و حتی اتحادیه‌های کارگری، از راه رشوه، برای دریافت اطلاعات خودی و بهره‌برداری از آن در تجارت و تأثیرگذاری در به کارگیری تصمیمات اقتصادی ضروری استفاده می‌کنند (Крыштановская, 2002, c. 57). نتایج به دست آمده از یک مطالعه تجربی، این مطلب را تأیید می‌کند و رابطه فساد و نخبگان در روسیه را به عنوان یکی از سخت‌ترین مشکلات این کشور معرفی می‌کند. در حال حاضر در روسیه به مبارزه با فساد توجه زیادی می‌شود. البته، در گذشته هم آیین‌نامه‌ها، قطع‌نامه‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های مبارزه با فساد و رشوه‌خواری در سطح‌های فدرال و منطقه‌ای وجود داشت و کارهایی در این راستا انجام می‌گرفت. اما پیشرفت‌های مثبتی در کاهش جرم‌ها در میان نخبگان و مقامات مختلف اتفاق نیفتاده است. بنابراین با وجود نداشتن راهکارهای مؤثر ضد فساد، سیستم مستحکم فاسد در کشور پیروز خواهد شد. متأسفانه، آمار کنونی اطلاعات بسیار ناامیدکننده‌ای ارائه می‌دهند که توصیف‌گر فساد لایه‌های بالاتر دیوان‌سالاری دستگاه‌های معاصر است. تنها در سال ۲۰۰۷، در روسیه بیش از یک هزار پرونده جنایی مربوط به فساد در میان مقامات عالی‌رتبه اقامه دعوی شد که از آن‌ها ۵۱۱ پرونده به اشخاصی با وضعیت حقوقی ویژه، از قبیل نمایندگان مجلس، قضات، دادستان‌ها، و کلا و مقامات ارشد دولتی مربوط می‌شد (Идрисова, 2008, p.116).

به باور کارابوشنکو، فساد یکی از قدیمی‌ترین شرارت‌های اجتماعی است که از تقسیم جامعه به نخبگان و توده‌ها پدید آمده است. بنابراین، از دوره باستان راه‌کارهایی برای مبارزه در برابر این بیماری اجتماعی ارائه شده است. وی در مقاله خود با عنوان فلسفه فساد و نخبگان می‌نویسد، فساد زمانی رخ می‌دهد که روابط سلطه و فرمانبرداری، بروز پیدا کند. البته سلطه و تسلیمی که، در مرز و یا خارج از محدوده مقررات قانونی قرار داشته باشد. بنابراین، سطح فساد، کیفیت خود حاکمیت (نخبگان) را نشان می‌دهد. هر چه سطح فساد حاکمیت بیشتر باشد، در آن صورت سطح حرفه‌ای و اخلاقی نخبگان حاکم کمتر است. در واقع نخبگان همه ملت‌ها در همه زمان‌های تاریخی این قانون کلی فساد را به کار می‌گیرند. در حال حاضر، تصور نخبگان حاکم بدون فساد غیرممکن است. در واقع هدف فساد قوی‌تر کردن نخبگان حتی از نظر (وضعیت مالی) آن‌ها است که در نتیجه تصاحب دارایی‌های غیرقانونی به دست می‌آید (Karabushenko, 2009, p.16-17). لونیف نیز در مقاله خود با عنوان فضای جنایت‌گری در روسیه و شکل‌گیری نخبگان سیاسی جدید بیان می‌کند که بین سطح جرم و جنایت و وضعیت بنیادهای اخلاقی - حقوقی نخبگان سیاسی و به‌ویژه نخبگان حاکم بر جامعه معمولاً ارتباط همبستگی قابل توجه و مستقیمی وجود دارد. هرچه سطح جرم و جنایت در جامعه بالاتر باشد، در آن صورت سطح جرم و جنایت گروه‌های نخبگان بالاتر است و برعکس، هرچه جرم و جنایت نخبگان بالاتر باشد، میزان جرم و جنایت در میان کل جمعیت کشور بالاتر خواهد بود. جامعه بین‌المللی نیز از راه سازمان ملل متحد مدت‌ها است که در مورد تبهکاری گروه‌های حاکم، به‌ویژه فساد آن‌ها ابراز نگرانی کرده است (Lunev, 1994, p.89). منابع روسی از فساد اداری به عنوان رایج‌ترین رفتار غیر قانونی و کاملاً حرفه‌ای گروه‌های حاکم یاد می‌کنند که البته، مشروط به نکاتی است:

۱. قانون‌شکنی‌های گروه‌های حاکم مربوط به فعالیت‌های مدیریتی دولت است که با وجود اعلام صراحت و آشکاربودن تا حد زیادی محرمانه باقی می‌ماند، ۲. معمولاً در اعمال ارتكابی توسط نخبگان حاکم، هیچ قربانی مستقیم و طبیعی و همچنین شاهدانی که علاقه‌مند به افشای این حقایق باشند، وجود ندارد، ۳. جرم‌های حرفه‌ای در میان نخبگان حاکم کشورهای مختلف با استفاده از روش‌های پیچیده و بسیار هوشمند برای رسیدن به هدف‌های غیر قانونی و روش‌های مدرن محافظت در برابر افشا صورت می‌گیرد، ۴. حتی در کشورهای توسعه‌یافته و مردم‌سالار، افرادی از گروه‌های حاکم که قانون را نقض می‌کنند، بیشتر نسبت به دیگر شهروندان از پذیرش مسئولیت کیفری واقعی اجتناب می‌کنند، ۵. نخبگان حاکم معمولاً مصونیت کاملی برای خود ایجاد می‌کنند که نمونه آن استعفای اولین رئیس جمهور روسیه (بوریس یتسین) است که توسط پوتین مصونیت کاملی به وی اعطا می‌شود، ۶. نخبگان در عمل فعالیت سازمان‌های اجرای

قانون و دادگاه‌هایی را هدایت می‌کنند که تنها به‌واسطه قانون امکان واقعی برای هدایت آن‌ها وجود ندارند (Лунев, 1994, p.90). افزون بر این، کارابوشنکو به‌عنوان یک قاعده، تعدادی از ویژگی‌های اساسی نخبگان سیاسی را شناسایی کرده است که مرتبط با فساد آن‌ها است: دسترسی به قدرت و توانایی برای تصمیم‌گیری مسئولانه، در اختیار داشتن حجم زیادی از اطلاعات دقیق و امکان دستکاری افکار عمومی از راه پنهان کردن اطلاعات نامطلوب و بزرگنمایی بهترین اطلاعات خود، کنترل بر سلسله مراتب قدرت و مدیریت دستگاه‌های اداری و بوروکراتیک، توانایی برای درگیر شدن در فعالیت‌های فاسد (که انگیزه اصلی در فعالیت حرفه‌ای نهادهای نخبگان حاکم است). بنابراین، می‌توان گفت که فساد «فولادینه کردن» قدرت و حاکمیت الیگارش‌هاست که منجر به تضعیف قانون موجود و تقویت جرم و جنایت خواهد شد. وی در ادامه، یکی از دلایل تداوم فساد در روسیه را، امکان بیش از حد مقامات در صدور مجوز معرفی می‌کند که این اقدامشان در عمل، با مصونیت کامل از مجازات به کار گرفته می‌شود و از آن مهم‌تر بالابودن میزان رشوه، به شکلی که برخلاف اروپا که ترس و نگرانی از جهت از دست دادن میزان قابل توجهی از حقوق بازنشستگی و سیستم سخت اعلام درآمد و دارایی مسئولان و خانواده‌هایشان، همانند ترمزی برای ارتکاب اقدامات مفسدانه عمل می‌کند، در روسیه میزان زیرمیزی و رشوه در حدی است که ترس از جهت محرومیت از حقوق بازنشستگی در مقابل وسوسه تأمین یک زندگی راحت با دو-سه معامله فاسد از بین می‌رود (Карабущенко, 2009, p.18-20).

بنابراین همان‌گونه که در بخش‌های قبلی اشاره شد، رابطه مستقیمی بین نخبگان و فساد وجود دارد، از طرفی قدرتمندی الیگارش‌ها که محصول روابط خاص با مقامات دولتی و برخورداری از نفوذ سیاسی، در اختیار داشتن پرمخاطب‌ترین رسانه‌های دیداری، شنیداری، چاپی و در کل نفوذ بالای رسانه‌ای، قدرت زیاد اقتصادی به‌واسطه تملک و هدایت بانک‌ها و شرکت‌های پرسود است، همگی بستر مساعدی را برای فساد آن‌ها فراهم می‌آورد. بنابراین قدرتمندی الیگارش‌ها در روسیه مانع مهمی برای تحقق سیاست‌های ضد فساد دولت به شمار می‌آید. شایان توجه است که این قدرتمندی، عامل مهمی برای دخالت الیگارش‌ها در فساد کلان است و بستر مناسبی را برای توسعه دامنه آن فراهم می‌آورد، از این‌رو در بسیاری از موارد اختلاس‌های گسترده، لابی‌های غیر قانونی و گریز از مالیات به‌واسطه الیگارش‌ها صورت می‌گیرد. اما موفق نبودن برنامه‌های دولت روسیه در مبارزه با فساد در عوامل دیگری مانند تناسب‌نداشتن مجازات با آسیب‌های فساد، دخالت‌نداشتن جامعه مدنی و نبود اراده جدی دولت در مبارزه با فساد، سطح بالای تحمل جامعه در ارتباط با فساد و رشد دستگاه‌های دیوان‌سالار و غیره ریشه دارد که به شکل جدی در پیدایش فساد هم دخالت دارند.

نتیجه

از مجموع مطالبی که در این نوشتار مطرح شده، می‌توان گفت که باوجود دلایل بی‌شماری که برای رشد فساد در روسیه بستر مناسبی را فراهم می‌آورند، ولی از آنجایی که الیگارش‌ی دولتی روسیه که در حقیقت همان قشر نخبگان اقتصادی حاکم در روسیه هستند مجهز به ابزار قدرت است به عوامل و دلایل زمینه‌ساز فساد دامن می‌زند و افزون بر آن به‌واسطه قدرتمندی موجود مانع مهمی در تحقق مبارزه با فساد است. بنابراین دولت‌مردان روسیه برای موفقیت در دستیابی به این مقصود باید ضمن افزایش حساسیت اجتماعی نسبت به پیامدهای مخرب فساد و همچنین فراهم‌آوردن موقعیت‌های مناسب برای حضور جدی جامعه مدنی در مبارزه با این مسئله، نه تنها با خود فساد که بلکه با عوامل آن مبارزه کنند و همچنین گام‌های اساسی برای از میان برداشتن موانع تحقق سیاست ضد فساد بردارند. با این هدف، اگرچه اقدامات گوناگونی می‌تواند صورت پذیرد؛ اما به‌نظر می‌رسد که در راستای مقابله با موانع موجود، کاستن از میزان قدرتمندی الیگارش‌ی ضروری باشد. بنابراین تقویت حاکمیت قانون و تحقق عملی برابری همه افراد جامعه در برابر آن اهمیت دارد.

افزون بر این، با هدف مهار قدرت الیگارش‌ی دولتی، جدایی بخش تجارت و کسب و کار از دولت الزامی است تا الیگارش‌هایی که نفوذ سیاسی دارند و یا سیاست‌مدارانی که به‌واسطه ثروتشان در شمار الیگارش‌ها قرار می‌گیرند، با محدودیت روبه‌رو شده و تا اندازه‌ای از قدرتشان کاسته شود. همچنین با خصوصی‌شدن گسترده و غیرانحصاری، شفاف و منهای دورزدن قانون و به کارگرفتن لابی‌گری‌های غیرقانونی، فرصت برابری برای حضور بدنه جامعه، به‌عنوان گردانندگان رسانه فراهم شود تا زمینه مناسبی برای نقادی‌های بی‌طرفانه مهیا شود. رسیدن به این مهم نیز نیازمند تقویت پایه‌های مردم‌سالاری و افزایش نقدپذیری دولت‌مردان، نخبگان و الیگارش‌ی جامعه روسیه و بلکه بسیاری از دیگر کشورها است، که با این مشکل مواجه هستند. بنابراین جهت افزایش تأثیرگذاری راهبردهای ضد فساد مدل زیر (شکل ۲) طراحی شده است. در این راهبرد، مبارزه با فساد هم‌زمان در سه راستای هم‌سطح یعنی مبارزه با مظاهر و مصادیق فساد، از بین بردن بسترها و عوامل آن و مبارزه با موانع اجرای موفق برنامه‌های ضد فساد، صورت می‌گیرد. در صورتی که این راهبرد، مطالعه شده، همه‌جانبه و مداوم باشد نتایج مطلوبی مورد انتظار و قابل پیش‌بینی است.



شکل ۲. مدل پیشنهادی - راهبرد جامع و فراسیستماتیک

منبع: نویسندگان

در پایان شایان یادآوری است، صرف نظر از دیدگاه‌های گوناگونی که نسبت به کارکرد مثبت یا منفی فساد وجود دارد، از آن رو که این نوشتار به بررسی عامل یا عوامل ناکارآمدی برنامه‌های ضد فساد دولت می‌پردازد و به قطع با تلقی منفی از فساد و پیامدهای آن جهت‌گیری شده، ضرورت مقابله با موانع موجود برای دستیابی به نتایج مطلوب و مؤثر در اجرای راهبردهای ضد فساد، تبیین شده است. بنابراین از آن رو که قدرتمندی الیگارشسی دولتی (به‌عنوان یکی از موانع جدی ناکارآمدی برنامه‌های ضد فساد دولت روسیه) فرضیه اصلی این نوشتار است، با در نظر گرفتن این دیدگاه که مهار قدرت تنها با قدرت امکان‌پذیر است، برای کاستن از قدرتمندی الیگارشسی دولتی و در نتیجه اثربخشی برنامه‌های ضد فساد دولت، تقویت حاکمیت قانون و جامعه مدنی به‌عنوان نکات اساسی در راهبردهای ضد فساد پیشنهاد شده است.

منابع

الف) فارسی

۱. ایزدی‌اودلو، عظیم (۱۳۸۶)، «مکتب نخبه‌گرایی»، کیهان فرهنگی، تحقیق و تاریخ، خرداد ۱۳۸۶، شماره ۲۴۸، ص. ۵۴-۵۷.
۲. بوناویتا، پترا (۱۳۸۹)، روسیه در چنگ مافیا، ترجمه توفیق گلی زاده، تهران: کتاب آمه.
۳. تانزی، ویتو (۱۳۷۸)، «مسئله فساد: فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد»، ترجمه بهمن آقایی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، بهمن و اسفند ۱۳۷۸، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰، صص. ۱۷۸-۱۸۹.
۴. حبیبی، نادر (۱۳۷۵)، فساد اداری، تهران: انتشارات وثقی.

۵. حق گو، حسین (۱۳۸۵)، «معرفی کتاب: محدود کردن قدرت با قدرت نظری بر کتاب «آینده آزادی؛ اولویت لیبرالیسم بر دموکراسی»، نشریه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، شماره ۵۲، تهران، دی ۸۷، صص. ۱۵۲-۱۵۹.
۶. رشیدی، احمد و علی اکبر جعفری (۱۳۹۰)، «فساد سیستماتیک و فراگیر؛ مشکل دوره گذار در روسیه»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال چهارم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص. ۶۵-۸۶.
۷. رمضانزاده، عبدالله و سید حمید حسینی (۱۳۸۹)، جایگاه گازپروم در راهبرد انرژی روسیه، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال سوم، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص. ۴۱-۶۶.
۸. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۸)، *بنیادهای علم سیاست*، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
۹. کولایی، الهه و فرزاد کلبعلی (۱۳۹۳)، موانع شکل گیری جامعه مدنی در روسیه، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص. ۳۱۹-۳۳۴.
۱۰. نعمتی زرگران، علی باقر (۱۳۸۴)، «خصوصی سازی در روسیه»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال چهاردهم، دوره چهارم، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۸۴، صص. ۸۷-۱۰۲.

(ب) روسی

1. Андреева К.С.(2013) “Виды источники власти в организации и особенности их применения управления персоналом”, *Экономика. Финансы. Управление*, №1 (45). 2013, с.114-118.
2. Бушков Александр Александрович (2009) *Хроника мутного времени. Дом с привидениями*
3. Быстрова А. С., А. В. Дука (2006) “Коррупция в институционализации российской элиты”, *Финансы и бизнес*, №1, с. 57- 67.
4. Гомеров И. Н.(2011) *Власть - исходная предпосылка политики: Лекция*, Новосибирск . гос. ун-т. Новосибирск, 2011. 77 с.
5. Гунина А.А. (2011) “Современные российские рантье: особенности социального состава и образа жизни”, *Социологические исследования*, 2011, №11, с. 75-78
6. Даль В.И.(2009) Толковый словарь живого великорусского языка, Доступна на: <http://slovardalja.net/word.php?wordid=21888>, Дата Обращения: 2013/ 05/ 21.
7. Зудин А.Ю.(1999) «Олигархия как политическая проблема российского посткоммунизма», *Общественные науки и современность*, №1, с. 45-65.
8. Идрисова, С.Ф, (2008) «Анализ экспертной оценки коррупционной элиты», *Вестник удмуртского университета*, 2008. Выпуск 2, с. 116-119.

9. Ижболдин-Кронберг А.Р. (2013) “Экономическая власть: актуальность проблемы, границы исследования, основные понятия и категории”, **Вестник Алтайской академии экономики и права**, Ноябрь 2013, с. 18-22.
10. Калинина, Александра(2013), “Коррупция в России как бизнес”, Сайт Институт современной России, 29 января 2013, Доступна на: <http://imrussia.org/ru/society/376>, Дата Обращения: 2013/10/ 4.
11. Каменская Г.В.(1994) “Генезис идей демократии”, **Социологические исследования**. №4. С.29-40.
12. Карабущенко П.Л. (2009) «Философия коррупции» и соблазн победы над ней», **Проблема коррупции: пути междисциплинарного исследования: Материалы V Международной научной конференции «Россия и Восток» г. Астрахань 4–6 сентября 2009 г.**, с. 15-27.
13. Качкина Т.Б., Качкин А.В.(2010) **Коррупция и основные элементы стратегии противодействия ей: Учебное пособие.**, Ульяновский институт повышения квалификации, ОАО «Областная типография «Печатный двор». 80 с.
14. Кива, Алексей Васильевич (2000) «Российская олигархия: общее и особенное», **Общественные науки и современность**, ОНС, N. 2 , С. 18 - 28.
15. Крыштановская О. В. (2002) “Бизнес-элита и олигархи: итоги десятилетия”, **Мир России**, Т. 11, № 4, С. 3-60.
16. Крыштановская О.В. (2002) “Трансформация бизнес-элиты России 1998-2002”, **Социологические исследования**, 2002, № 8 , С. 17-49.
17. Крыштановская, Ольга(2013) Анатомия российской элиты, Доступна на: http://krotov.info/libr_min/11_k/ri/shtanov_05.htm, Дата Обращения: 2013/ 09/ 20.
18. Луис О. Келсо, Патриция Х. Келсо (2007) **Демократия и экономическая власть**, Переводчик: В. И. Федоров, Сан-Франциско: Институт Келсо по изучению экономических систем, 268 с.
19. Лунеев В.В.(1994) “Криминогенная обстановка в России и формирование новой политической элиты”, **Соц. иссл. Социология преступности** , № 8-9. 54, с. 89-101.
20. Мильчакова, Наталья Николаевна (2010), “Определение понятия "коррупция": терминологический дискурс в контексте”, **Вестник Тюменского государственного университета**. Тюмень: Изд-во ТюмГУ, № 2. - С. 139-147.
21. Нигматуллина И.В.(2014) “Актуальные проблемы политического развития современного российского общества”, **Вестник ВЭГУ**, № 1 (69)
22. Нисневич Ю.А. (2009), **Свобода и конкуренция или коррупция?** М., ГУ ВШЭ, 68 с.

23. Посконин В.В., Я.В. Балобанов (2007) "Категория государственная власть в современной социал-демократии", **Вестник Удмуртского университета**, №6, с.31-40.
24. Рецензенты: В.И. Цепилова, А.Н. Крупина (2006) **Политология, Учебное пособие для студентов заочного отделения**, Министерство образования РФ, Уральский государственный экономический университет, Екатеринбург, 168 с.
25. Рогов И. И. (2011) "Понятие «экспансия» и его использование в исследовании имперских социальных систем", **Вестник ЮРГТУ(НПИ)**, № 3, с.281-286.
26. Тертышный С.А. (2012), "Коррупция как форма рентоориентированного поведения и проблема ее измерения в экономике России", **Проблемы современной экономики**, №2, с.83-87.
27. Тонков Е.Е., С.В. Масальтина(2007) "Управление процессом государственной деятельности в механизме современной политико-правовой модернизации", **Научные ведомости БелГУ**, № 9(40), № 2, С. 167-172.
28. Яковлева Т. Н. ,Тырнова Н.А. (2012) «Современная политическая элита в общественном мнении россиян.», **Каспийский регион: политика, экономика, культура**, № 3, С. 208-218.
29. 200 богатейших бизнесменов России — 2012(2012), Доступна на: http://www.compromat.ru/page_32046.htm, <http://maxpark.com/community/8/content/1317041> и [http://www.forbes.ru/rating/bogateishie-biznesmeny-rossii-2012/2012, 19.04.2012](http://www.forbes.ru/rating/bogateishie-biznesmeny-rossii-2012/2012,19.04.2012), "Русский Forbes", Дата Обращения: 2013/ 09/ 20.
30. Индекс Восприятия Коррупции, Доступна на: <http://www.transparency.org.ru/indeks-vospriatiia-korruptcii/blog>, Дата Обращения: 2013/ 09/ 23.

(ج) انگلیسی

1. Aslund, Anders (2014), "Oligarchs, Corruption, and European Integration", **Journal of Democracy**, Vol. 25, No. 3, July 2014, pp. 64-73.
2. Fursova, Valentina, Greg Simons (2014), "Social Problems of Modern Russian Higher Education: The Example of Corruption", **International Education Studies**; Vol. 7, No. 10; Published by Canadian Center of Science and Education, pp. 25-31.
3. Guriev, Serge. Andrei Rachinsky (2005) "The Role of Oligarchs in Russian Capitalism", **Journal of Economic Perspectives**, Vol.19, No.1, Winter 2005, pp. 131-150.

4. Johnston, Michael (2012) **Corruption and Reform: One Size Does Not Fit All**, Austria, Publication International Anti-Corruption Academy (IACA), IACSA - International Anti-Corruption Summer Academy.
5. Michelle Man(2009)"Political Corruption in Russia: An Evaluation of Russia's Anti-Corruption Strategies, 1991-2009".**POLIS Journal**, Vol. 2, Winter 2009 University of Leeds, pp. 1-53.
6. William H. (2010) "US Embassy Cables: Russia is Virtual 'Mafia State', Says Spanish Investigator, Available at: <http://www.theguardian.com/world/us-embassy-cables-documents/247712> (Accessed on: 20/ 09/ 2013).